

Identifying and comparing the cultural and construction budget Dafahe Sarf in the Qajar era

Hossein Ahmadi Rahbarian, 1  Maghsoud Ali Sadeghi 2 

1. Ph.D. History of Iran, Department of History/Tarbiat modares University Tehran, Iran. E-mail: h.ahmadi@modares.ac.ir

2. (Corresponding Author), Associate Professor, Department of History/Tarbiat modares University, Tehran, Iran.

E-mail: m_sadeghi@modares.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 6 Septe 2021

Received in revised

form: 16 Dese 2021

Accepted: 7 Jene 2022

Published online: 5 May 2022

Keywords:

Badget,

Qajar government

Dafehe sarf,

Sarfe Diwani,

Culture.

ABSTRACT

The budget is the most important financial document for assessing government income and expenditure. Before the constitution, there was a budget line called Dafah or the Siqe "Sarf" in the financial offices, which was considered the cultural and construction part of the government budget. For this reason, it is important to examine this line of the budget, how much of the country's total budget has been spent on civil and cultural affairs, and to what matters has it been allocated? Therefore, the purpose of this research is to identify and examine the position of the Sarf form in the budget document and the amount of changes and the ratio of each of its elements to each other. The findings of the research indicate that the Dafah Sarf was one percent of the total budget, and this cost existed in both the civil and provincial parts. The difference between Sarfe Diwani and Velayati was in the expenditure of "Mubarak's pocket", which was the most expensive in the Diwani sector. Chaparkhaneh, Mazaje, and building repair are unique in the provincial sector, and building repair cost the most in the provincial sector.

Cite this article: Ahmadi Rahbarian, hossein& sadeghi Gandomani, Maghsoud Ali (2022). **Identifying and comparing the cultural and construction budget Dafahe Sarf in the Qajar era.** Journal of Historical Researches of Iran and Islam, vol 16, No30 Pages 25-48. DOI. 10.22111/JHR.2021.39325.3198



© The Author(s), hossein Ahmadi Rahbarian & Maghsoud Ali Sadeghi Gandomani;

Publisher: University of Sistan and Baluchestan

DOI. 10.22111/JHR.2021.39325.3198

شناسایی و مقایسه بودجه فرهنگی و عمرانی «دفعه صرف» در عصر قاجاریه

حسین احمدی رهبریان^۱ مقصودعلی صادقی گندمانی^۲ 

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه تربیت مدرس. رایانامه: h.ahmadi@modares.ac.ir

۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس، (نویسنده مسئول). رایانامه: m_sadeghi@modares.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	بودجه، مهم‌ترین سند مالی برای ارزیابی درآمد و هزینه دولت است. پیش از مشروطه، ردیف بودجه‌ای به نام دفعه یا صیغه «صرف» در دفترهای مالی وجود داشت که بخش فرهنگی و عمرانی بودجه‌ی دولت محسوب می‌شد. از این جهت بررسی این ردیف از بودجه، دارای حائز اهمیت است که چه مقدار از کل بودجه کشور صرف امور عمرانی و فرهنگی می‌شده است و آن نیز به چه اموری اختصاص داشته‌است؟ بنابراین هدف این پژوهش، شناسایی و بررسی جایگاه صیغه صرف در سند بوده و میزان تغییرات و نسبت هر یک از ارکان آن با یکدیگر است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که دفعه صرف یک درصد کل بودجه را تشکیل می‌داد و این هزینه در هر دو قسمت دیوانی و ولایتی وجود داشته‌است. تمایز صرف دیوانی با ولایتی در مصارف «جیب مبارک» بود که بیشترین هزینه در بخش دیوانی صرف بود. چاپارخانه، مضاجع و تعمیر عمارت موارد منحصربه‌فرد در صیغه ولایتی است و تعمیر عمارت، بیشترین هزینه را در بخش ولایتی داشت. رکن مهم دیگر صیغه صرف، هزینه تعزیه داری بود که جنبه‌ی استمراری و پیوسته در دوره‌های حکومت محمد شاه، ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه داشت و به نظر می‌رسد این هزینه حداقل از دوره‌ی محمد شاه در بودجه به وجود آمده است و در دوره‌ی ناصری و مظفری و پس از مشروطه با وجود استمراری بودن آن، با افزایش بودجه روبه‌رو نشده است. در مجموع نسبت بودجه عمرانی به فرهنگی در صیغه صرف در بخش ولایتی بیشتر بود اما در بخش دیوانی هزینه امور عمرانی بسیار کمتر از فرهنگی بوده‌است و به‌طور کلی هزینه‌های فرهنگی نسبت به امور عمرانی در اواخر دوره‌ی قاجار افزایش پیدا کرده‌است. داده‌ها براساس سه سند جمع و خرج کل کشور در سال ۱۲۵۸، ۱۲۶۸ و ۱۳۰۴ قمری و دیگر اسناد جمع و خرج ولایتی تهیه و تنظیم و تحلیل شده‌است.
تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۱۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۹/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۷ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۱/۰۲/۱۵	
واژه‌های کلیدی: بودجه، دولت قاجار، دفعه صرف، صرف دیوانی، فرهنگ.	

استناد: احمدی رهبریان، حسین، صادقی گندمانی، مقصودعلی (۱۴۰۱) شناسایی و مقایسه بودجه فرهنگی و عمرانی «دفعه صرف» در عصر

قاجاریه، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، بهار و تابستان ۱۴۰۱، دوره ۱۶، شماره ۱ - شماره پیاپی ۳۰، ص ۲۵-۴۸

DOI. 10.22111/JHR.2021.39325.3198

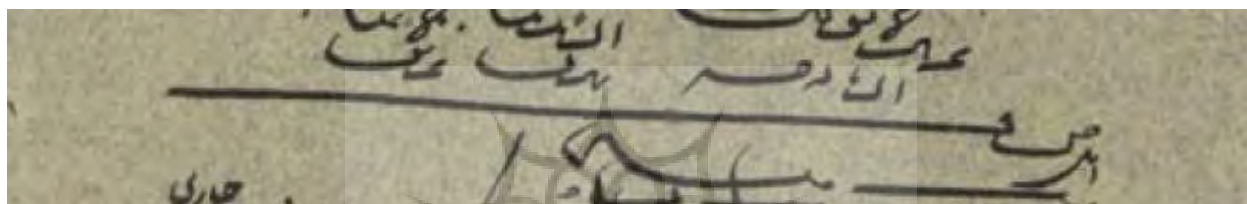
مقدمه

بازخوانی و تصحیح کتابچه‌های جمع و خرد به‌عنوان میراث سنتی بودجه در کشور، یک ضرورت جدی برای پژوهش در تاریخ اقتصادی- اجتماعی و سیاسی در ایران عصر قاجار است. برای شناخت بودجه در عصر قاجار باید به دفاتر مالی دستورالعمل یا مفاصاحساب رجوع کرد که درآمد و مخارج دولت در آن با خط سیاق ذکر شده‌است. خط سیاه خطی رمز گونه بود که مستوفیان در نوشتن اعداد و برخی حروف از آن در کتابچه‌های مالی استفاده می‌کردند. صیغه صرف یکی از بخش‌های مخارج است که بودجه فرهنگی و عمرانی دولت محسوب می‌شود. این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال است که جایگاه، ویژگی، شاخص‌ها و میزان تغییرات هر یک از اجزای صیغه یا دفعه صرف در بودجه چگونه بود؟ تناسب بودجه عمرانی و فرهنگی چه بود و آیا بودجه عمرانی مختص امور دولتی بوده‌است یا عمومی و همچنین بودجه فرهنگی تا چه اندازه در راستای اهداف سیاسی و یا اجتماعی بوده‌است؟ لازم به ذکر است که پژوهشی درباره ساختار شکلی و محتوایی صیغه صرف در چارچوب ساختار سند بودجه نوشته نشده است. این پژوهش با تکیه بر سه بودجه کل کشور در دوره محمد شاه و ناصرالدین شاه و دیگر کتابچه‌های ولایتی تهیه و تنظیم و تحلیل شده‌است. بودجه نویسی متمرکز و جامع در دوره قاجار چند بار نوشته شده‌است و این پژوهش برای یکدستی در ارائه آمار عمدتاً از سه مجموعه در دسترس در آرشیو کتابخانه‌های مرعشی و مجلس استفاده کرده‌است. در این بین سند ۱۳۰۴ قمری نسبت به سند ۱۲۵۸ و ۱۲۶۸ کامل‌تر و دقیق‌تر و منظم‌تر است و در نتیجه این سند مورد تأکید بیشتر و نتایج تحقیق بر این سند استواری بیشتری دارد.

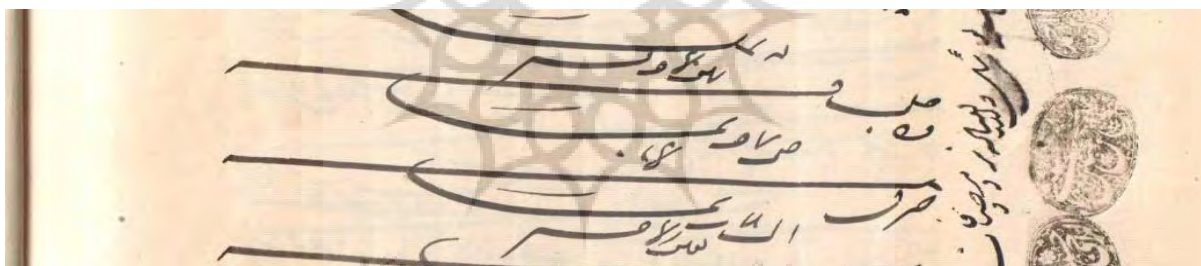
ساختار شکلی صیغه صرف:

با توجه به اینکه خوانش سیاقی صیغه صرف، با شکل سیاقی واژه‌ی «حرف» در ذیل اصطلاح «مفرد» شباهت دارد، در بازخوانی این اسناد، اشتباهاتی صورت می‌گیرد که می‌تواند تصحیح و بازخوانی و فهم سند را با اشکال اساسی روبه‌رو سازد. برای تشخیص تفاوت آن می‌توان از دو روش خط‌شناسی و ساختارشناسی استفاده کرد. به‌لحاظ خط‌شناسی، باید دقت نظر در حرف

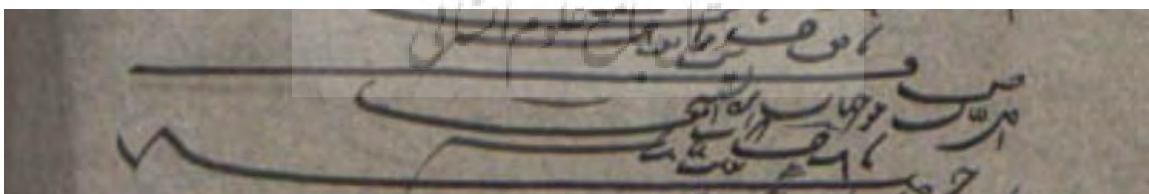
«ح» و «صاد» باشد و به ظاهر چون صاد یک دندانه دارد می‌توان تفاوت آن را مشخص کرد اما در بیشتر موارد، دندانه با صاد نمی‌آید و یا «ح» با دندانه می‌آید. این مساله حتی در کتاب‌های آموزشی سیاق دوره‌ی قاجار نیز وجود دارد (کاشانی، ۱۳۹۵: ۱۶۸ - اوارجه : ۲۲). به همین علت شناسایی دو کلمه حرف و صرف در نزد مصححان را با ابهام روبه‌رو ساخته‌است. اصولاً اصطلاح حرف و صرف باید به صورت شکل ۱ و ۲ بیاید اما همان‌طور که در شکل ۳ و ۴ می‌بینید حرف و صرف شبیه به هم نوشته شده‌است.



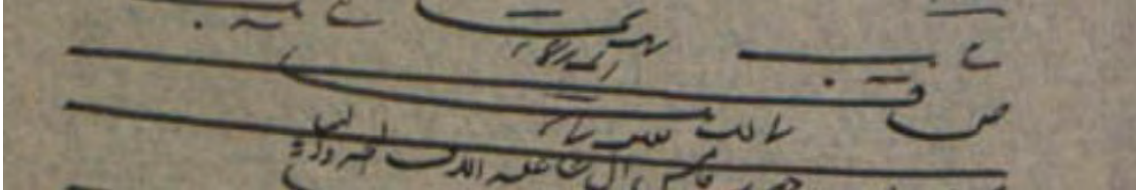
شکل شماره ۱، کتابچه کاشان؛ شکل حرف اول



شکل شماره ۲ جمع و خرد یزد، شکل صرف



شکل شماره ۳ جمع و خرج مازندران، شکل حرف

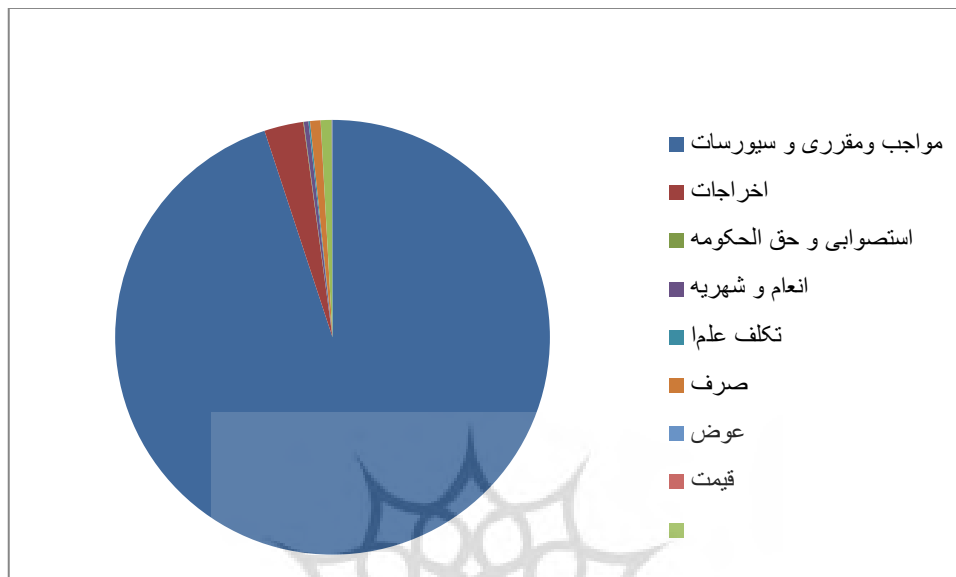


شکل شماره ۴، جمع و خرج مازندان شکل صرف

بنابراین برای تشخیص دقیق حرف از صرف باید ساختار شناسی آن را شناسایی شود. از لحاظ ساختاری اصطلاح حرف، جزو ارکان درآمدی و اصطلاح صرف جزو ارکان هزینه است. در واقع «حرف» جزو مفرده و با عنوان «حرف اول» و «حرف ثانی» می‌آید اما کلمه «صرف» ذیل «من ذالک» است که ساختار محتوایی خاص خود را دارد.

ساختار محتوایی صرف دیوانی:

صیغه یا دفعه صرف به دو بخش دیوانی و ولایتی تقسیم می‌شود. مخارج ولایتی عبارت است از حقوق مستخدمین، مستمری، وظیفه و تخفیف؛ و مصارف دیوانی مشتمل بر مخارج قشون و کارکنان مستخدمین مرکزی و حقوق اشخاص که اهل محل نبوده و بر حسب تقاضای خودشان یا صلاح دید مسئولان مالی به خرج محل منظور شده است (عیسوی، ۱۳۸۸: ۲۱۰). صیغه‌های مخارج ۴۶ نوع است که پرکاربردترین آن شامل بخش‌های موجب و مقرر، اخراجات، استصوابی و حق الحکمه، انعام و شهریه استمراری، تکلف علما، خانواری، صرف، عوض، قیمت، کرایه، مستمری است. (شهشهانی، ۲۹)

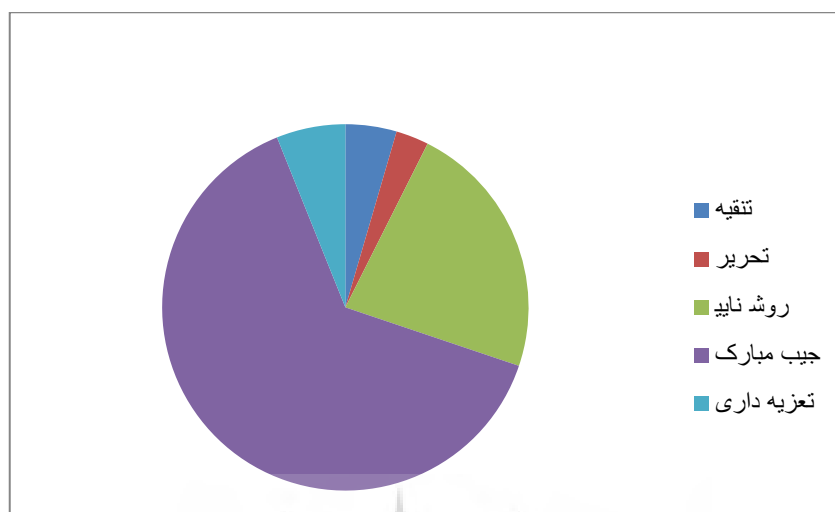


نمودار شماره ۱، میزان مخارج دیوانی در سال ۱۳۰۴

همان‌طور که از نمودار مشخص است جایگاه صیغه صرف دیوانی در بودجه سال ۱۳۰۴ ق. حدود یک درصد مخارج است و ۹۵ درصد هزینه‌ها مربوط به مواجب و مقرری و سیورسات است. (نمودار ش ۱) ساختار صیغه صرف در مصارف دیوانی با ولایتی تفاوت‌هایی را دارد. ساختار صیغه صرف دیوانی در حال ۱۳۰۴ از ارکان تغذیه داری، دفترخانه و تحریر، تنقیه قنوت، جیب مبارک و روشنایی تشکیل می‌شود و مخارج جیب مبارک از شاخص‌های منحصربه‌فرد در صیغه صرف دیوانی است زیرا این رکن در صیغه صرف ولایتی وجود ندارد.

«صرف جیب مبارک» عموماً بودجه‌ای در اختیار شاه برای کمک به مردم مستحق اختصاص داشت. در واقع عریضه‌ای که به شخص شاه از طرق مختلف داده می‌شد، شاه در حاشیه آن دستوری جهت کمک به آن‌ها به اداره جیب مبارک می‌داد و آن اداره به تجارتخانه‌ها حواله می‌کرد (بهرامی، ۱۳۶۳: ۶۲). البته بعضاً شاه همه‌ی این بودجه را خرج نمی‌کرد به طوریکه ناصرالدین‌شاه حدود یک سوم آن را برای خود ذخیره می‌کرد (حسینقلی، ۱۳۸۶: ج ۱، ۳۲۵).

این اداره به نوعی اعتبار مالی شاه بود و اگر حواله شاه از این اداره در زمان مقرر وصول نمی شد نشان از بی اعتباری شاه بود و این وضعیت در سال ۱۳۲۱ ق. در دوره حکومت مظفرالدین شاه به اوج رسید به طوری که وصول حواله شاه بیش از شش ماه طول می کشید (ملک المورخین، ج ۲، ۱۳۷۶: ۶۵۸). در واقع دولت در دوره مظفری دچار کسری بودجه بی سابقه ای شد و یکی از اقدامات عین الدوله آخرین صدراعظم قبل مشروطه، برای توازن بودجه، قطع مخارج صرف جیب مبارک به عنوان پرخرج ترین رکن در صیغه صرف، تا از بذل و بخشش های بی موقع و بی حساب شاه تا حدی جلوگیری کند (ملک المورخین، ج ۱، ۱۳۷۶: ۷۰۰- دولت آبادی، ۱۳۶۲: ۳۵۳). این مصارف بعد از مشروطه نیز توسط مجلس اول شورای ملی همچنان قطع بود (ملک زاده، ۱۳۸۳: ۵۳۱). در سال ۱۳۰۴ ق. همزمان با صدارت امین السلطان، مخارج صرف دیوانی ۲۶،۷۴۴ تومان بود و سهم جیب مبارک با ۶۴ درصد، بیشترین هزینه آن را در بر می گرفت و بخش تحریر با سه درصد کمترین هزینه را داشت. تحریر به طور عمده مربوط به هزینه های دفترخانه شاه (۶۰۰ تومان) و دیوان استیفا (۵۰ تومان) بود. (نمودار ش ۲) در برخی موارد اتفاقی مانند کمک به طلاب مدرسه، جزو مخارج دفترخانه و یا تعمیر طوابع جزوی از مخارج تنقیه قنوات گنجانده می شد اما این موارد چندان مرسوم نبود. تنقیه قنوات به نوعی از جمله اقدامات عمرانی محسوب می شد که درصد کمی را به خود اختصاص می داد و عموماً این مخارج عمرانی در اراضی خالصه که اراضی دولتی شناخته می شد، انجام می گرفت (سند ۱۳۰۴: ۴۳۴).

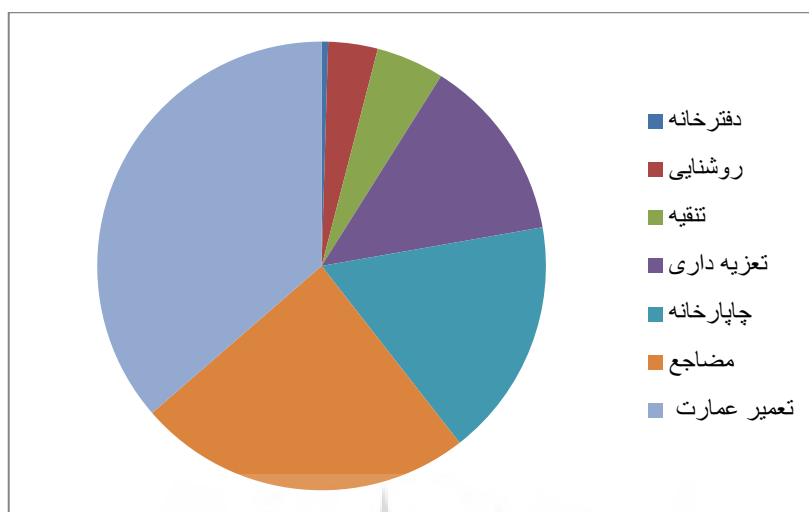


نمودار ش ۲، مقدار هزینه در ارکان صیغه صرف دیوانی در سال ۱۳۰۴

ساختار محتوایی صرف ولایتی:

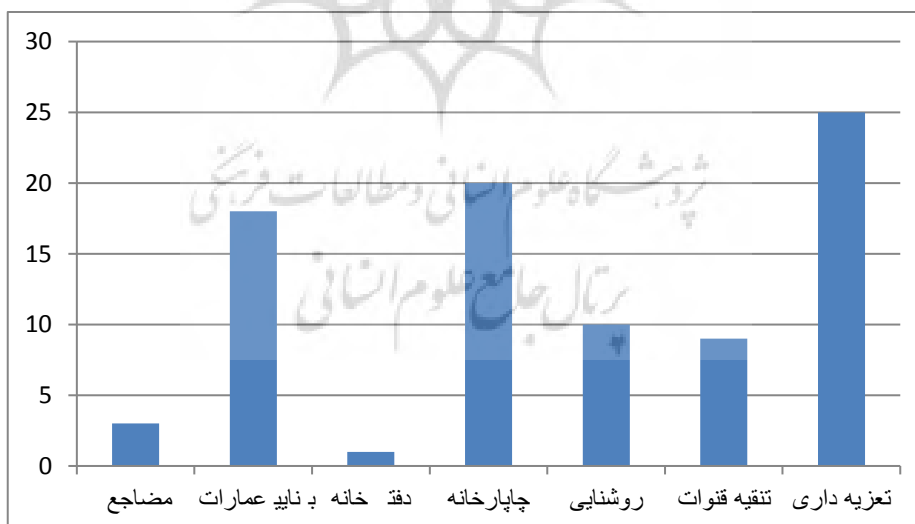
ارکان صرف در بخش ولایتی شامل تعزیه داری، عمارات دیوانی، چاپارخانه، دفتر خانه، روشنایی، مضاجع، تنقیه قنوات است اما در اندک مواردی مانند تعمیر طواحین یا کمک به طلاب مدرسه در آن گنجانده می‌شد (سند ۱۳۰۴ : ۴۴۲). مخارج ولایتی در آذربایجان به‌عنوان بزرگ‌ترین ولایت به تعداد یازده صیغه می‌رسید که در آن اجرت، اخراجات، انعام، تخفیف، تیول، تدارک، صرف، کرایه، موقوفات، مواجب مقرری و مستمری در بودجه سال ۱۳۰۴ ق آمده است که به‌تبع در ولایات کوچک‌تر تعداد صیغه‌ها کمتر می‌شد. دفعه صرف ولایتی در سال ۱۳۰۴ در اکثر ولایات وجود داشت ولی در برخی از شهرها ذکر از آن نرفته است. به‌طور مثال در ولایات عربستان (خوزستان)، نطنز، خوار، خرقان، فراهان، کمره و دماوند به صیغه صرف اشاره نشده است و البته این نکته منحصر به این سال است و ممکن بود در سال‌های دیگر وجود داشته باشد به‌طور مثال صیغه صرف برخلاف سال ۱۳۰۴ در سال ۱۲۹۹ ق. و سال ۱۳۰۲ در عربستان وجود داشت (جمع و خرج عربستان سال ۱۳۰۲ : ۸ - ۱۲۹۹ : ۱۰ - سند ۱۳۰۴ : ۵۱۴، ۵۳۶،

مخارج صیغه صرف در هر یک از ولایات ویژگی خاص خود را داشت. برخی از شهرها اعتبار مالی نقدی و جنسی داشتند و عمده‌ی آن هزینه نقدی بود اما در برخی از ولایات مانند یزد، فارس، کرمان، گیلان، اصفهان فقط اعتبار نقدی در اختیار داشتند. در آذربایجان در سال ۱۳۰۴ تعمیرات و تنقیه قنوات پنجاه درصد مخارج صرف بود که از ارکان دیگر مخارج بیشتر بود و تعزیه داری در جایگاه بعدی قرار داشت. (نمودار ش ۳) در خراسان به ترتیب مضاجع و تعمیر عمارت هزینه بیشتری داشت. تعمیر عمارت دیوانی علی رغم آنکه نام آن دیوانی است جزو مصارف ولایتی بود. در رکن عمارت دیوانی خارجی چون کرایه خانه حکومتی، موجب سرایداران، موجب عمله نقاره‌خانه، موجب معمار و سرایدار و باغبان و تعمیرات ذکر می‌شد که این مصارف همان‌طور که از نامشان مشخص است مربوط به امور دولتی است و کمتر موردی اتفاق می‌افتاد که در امور عمومی و عام المنفعه خرج شود. البته از نظر طبقه اجتماعی، قشر دیوان‌سالاری و اشراف و اعیان در امور عمرانی مانند احداث و احیای قنوات‌ها و آب‌انبارها نقش قابل ملاحظه‌ای داشتند اما این هزینه‌ها خارج از سند بودجه بوده‌است. بنابراین، دولت برای امور عمومی دخالت چندانی نداشت اما برای تسهیل آن سعی می‌کرد مالیات‌ها را کاهش دهد و کارهای عمرانی به عهده همه‌ی طبقات اجتماعی بوده‌است (سند ۱۳۰۴ : ۴۷۹ - احمدی رهبریان و دیگران، ۱۳۹۷، ۴۷).



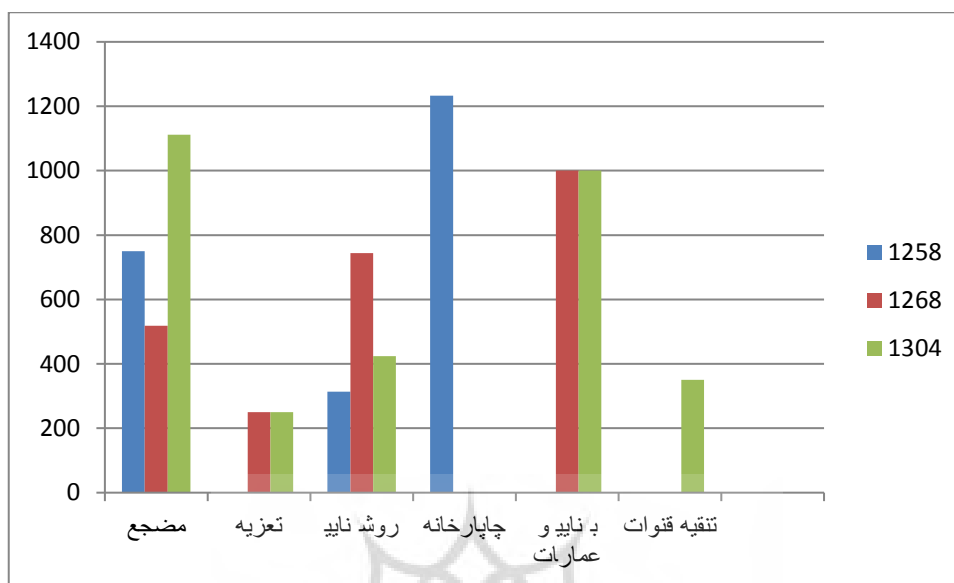
نمودار ش ۳، مقدار هزینه ارکان صرف در ولایات (سال ۱۳۰۴)

با اینکه در بیشتر ولایات ایران در سال ۱۳۰۴ تعزیه داری بیشترین تعداد ردیف بودجه داشته‌است اما تعداد بیشتر دفعات هزینه به معنای خرج بیشتر نیست. به‌طور مثال دفعات هزینه مضاجع سه بار و مقدار هزینه آن ۲۴ درصد است اما دفعات تعزیه داری ۲۵ بار و مقدار آن ۱۳ درصد از صیغه صرف است (نمودار ش ۴).



نمودار ش ۴، تعداد دفعات هزینه در ولایات ایران در سال ۱۳۰۴ ق

هزینه چاپخانه به عنوان یکی دیگر از مخارج ولایتی، به مخارج نگهداری اسبان و تلگرافخانه تعلق داشت. سیستم چاپخانه بعد از افول در نیمه دوم قرن دوازدهم، در دوره قاجاریه بار دیگر رونق گرفت که هدف اصلی آن تسهیل در مکاتبات اداری بود (فلور، ۱۳۹۴: ۴۵). دولت برای حفظ و نگهداری آن در سال ۱۲۳۲ ق. مبلغ ۳۰۰ تومان جهت هر پست خانه به صورت سالیانه تصویب کرد اما این مبلغ ۳۰ سال بعد ۱۰۰ تومان کاهش یافت و این تفاوت به دلیل پرداخت اضافه کردن هزینه‌ی جنسی مانند جو و کاه به پست خانه بود. تا سال ۱۲۹۳ حدود ۱۷۲ پست خانه وجود داشت که در مجموع ۳۴۴۰۰ تومان نقدی و علاوه بر آن ۱۰ خروار جو و کاه برای هر اسبی داده می‌شد (همان: ۱۰، ۱۴). البته برخی از مواقع جو و کاری که از جانب دیوان معین می‌شد به چاپخانه نمی‌رسید در واقع ناییی که برای این کار معین می‌شد، برای پنج چاپخانه اعتبار مالی می‌گرفت اما هزینه چهار چاپخانه می‌کرد و حتی نظارت دولت برای نظم دادن، اثر چندانی نداشت (شیندلر، ۱۳۹۶: ۶۵، ۶۶). به خصوص آنکه بی نظمی در چاپخانه‌ها، هنگام لشگر کشی‌های حکومت مرکزی به مناطق طغیان‌گر به تبع بیشتر می‌شد (فریز، ۱۳۶۴: ۴۶). به هر شکل به نظر می‌رسد تا اواسط دوره‌ی ناصری بیشتر هزینه‌های صرف، ذیل مصارف تلگرافخانه و چاپخانه و بنایی عمارت بوده اما به تدریج مصارف تعزیه و روشنایی و مضاجع جای بیشتری در صیغه صرف باز کرده‌است. به طور مثال، هزینه مضاجع در اواسط دوره ناصری در مشهد افزایش و هزینه چاپخانه به صفر رسیده‌است (نمودار ش ۵ - ساکما، شناسه سند ۱۶۴۵/۲۳۲، ۱).



نمودار ش ۵: ارکان صرف در ارض اقدس (مشهد)

تعزیه داری:

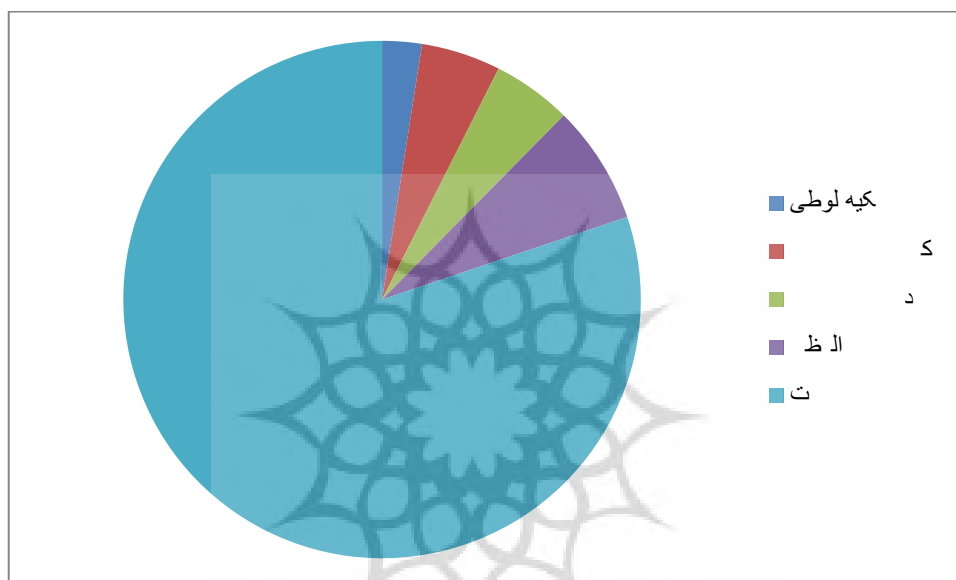
به اعتقاد برخی از پژوهشگران، شبیه خوانی و تعزیه در عصر صفویه هنوز در ایران مرسوم نشده بود زیرا هیچ‌یک از مورخان و نویسندگان در آثار خود از آن سخنی به میان نیاورده‌اند و به نظر می‌رسد این رسوم از زمان حکومت زندیه معمول شده‌است و ظاهراً کهن‌ترین تعزیه نامه که در حال حاضر موجود است مربوط به عصر کریم خان زند است (حق پرست و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۴ - مسعودیه، ۱۳۶۷: ۱۰) - محجوب، ۱۳۶۷: ۱۸۷، ۱۸۸). تعزیه به علت ماهیت نمایشی‌اش، جذاب‌تر و عوام پسندتر از روضه خوانی بود و طبیعی بود که عامه آن را به روضه ترجیح دهند اما بیشتر علما مخالف و منتقد شبیه خوانی بودند (مظاهری، ۱۳۷۸: ۹۷) با این حال در این میان میرزا ابوالقاسم مشهور به فاضل قمی در دوره فتحعلی شاه، فتوایی صادر کرد که شبیه خوانی حرام نیست (مارتین، ۱۳۸۹: ۱۸۹). از دوران فتحعلی شاه نخستین تکیه‌ها تأسیس می‌شود و در زمان محمد شاه حمایت بیشتری می‌شود و می‌توان گفت براساس اسناد موجود حداقل از دوره‌ی محمد شاه ردیف بودجه‌ای مخصوص برای تعزیه داری ایجاد شد اما دوران طلایی تعزیه، دوره حکومت ناصرالدین شاه است. بنابراین تعزیه دنباله منطقی و غیر قابل اجتناب روضه خوانی شده

بود که در جریان آن شاه و دولت قاجار مجال می‌یافتند اخلاص و ایمان خود را نسبت به شرع و مذهب تشیع به معرض تماشای مردم بگذارند (امانت، ۱۳۸۳: ۵۶۶).

منظور از تعزیه داری در صیغه صرف، عزاداری برای امام حسین (ع) بود که با عبارت‌های چون خامس آل عبا، روز عاشورا و یا سیدالشهدا مشخص می‌شد. البته به‌طور کلی تعزیه تنها مخصوص شهادت امام حسین (ع) نبود بلکه قصه‌ها و داستان‌هایی مانند وفات حضرت خدیجه، داستان حضرت یوسف، داستان حضرت سلیمان، وفات حضرت زینب، دعوت حضرت زهرا به عروسی، زندان رفتن مختار، خروج مختار و محشر، وفات پیامبر (ص)، حج الوداع، وفات حضرت سکینه و بازار شام در تعزیه نمایش داده می‌شد که چون جدا از وقایع کربلا بود در چارچوب سند بودجه نمی‌آمد اما شاه و یا بعضی از حکام خارج از بودجه دولتی، به برگزاری مجلس تعزیه خوانی کمک می‌کردند (ویلس، ۱۳۶۳: ۲۶۵-بیانی، عبدامین، ۱۳۹۹: ۲۸۷، ۴۸۰) (مارتین، ۱۳۸۹: ۱۸۹). (بیانی، عبدامین، ۱۳۹۹: ۴۵۵-ملیجک، ۱۳۷۶: ج ۱، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۲۱۹، ۲۲۵، ۴۱۷، ۵۹۱-شمیم، علی‌اصغر، ۱۳۷۴، ۴۱۵).

تعزیه داری نسبت به دیگر ارکان صرف از دوره‌ی محمد شاه تا پس از مشروطه بودجه مستمر و ثابتی و فراگیری داشته‌است در حالی که مصارف دیگر صیغه صرف در بسیاری از مواقع با کاهش بودجه و یا حذف در این دوره مواجه بوده‌است. هزینه تعزیه داری در بیشتر ولایات مانند قم، کاشان، کرمانشاه، گروس، ملایر، تویسرکان و یزد از نوع استمراری بوده‌است که نشان از رونق شعائر مذهبی در آن شهر بود. البته مخارج تعزیه داری تقریباً در بیشتر شهرها وجود داشته‌است و بنا به فرمانی که از دوره محمد شاه که ناصرالدین شاه آن را تأیید کرد؛ مالکان روستاها باید برای برگزاری تعزیه روستا به‌عنوان بخشی از تعهدات مالیاتی روستا پول بپردازند (مارتین، ۱۳۸۹: ۱۸۹). براساس سند ۱۳۰۴ فقط در شش شهر صیغه صرف وجود نداشته‌است اما هر جا که صیغه صرف بوده‌است به‌غیر از ولایت ساوه و زرنند، خرج تعزیه داری هم وجود داشته‌است. تعزیه داری در ساختار مصارف دیوانی در دو بخش است. یک بخش همان بخش تعزیه داری امام حسین (ع) بود و دیگری در بخش روشنایی است که مقدار آن ۳۲۰ تومان در

سال ۱۳۰۴ است، در حالی که هزینه تعزیه در بخش اختصاصی در همین سال ۱۶۱۷ تومان بود (سند ۱۳۰۴، ۴۳۶). هزینه اختصاصی تعزیه داری در صیغه صرف دیوانی در پنج مکان؛ تکیه دولتی، حرم شاه عبدالعظیم، مدرسه مهد علیا، تکیه منوچهرخان و تکیه لوطی علیخان هزینه می‌شد. همان‌طور که در نمودار مشخص است در تکیه دولتی ۸۰ درصد هزینه‌ها انجام گرفته‌است. (نمودار ش ۶)



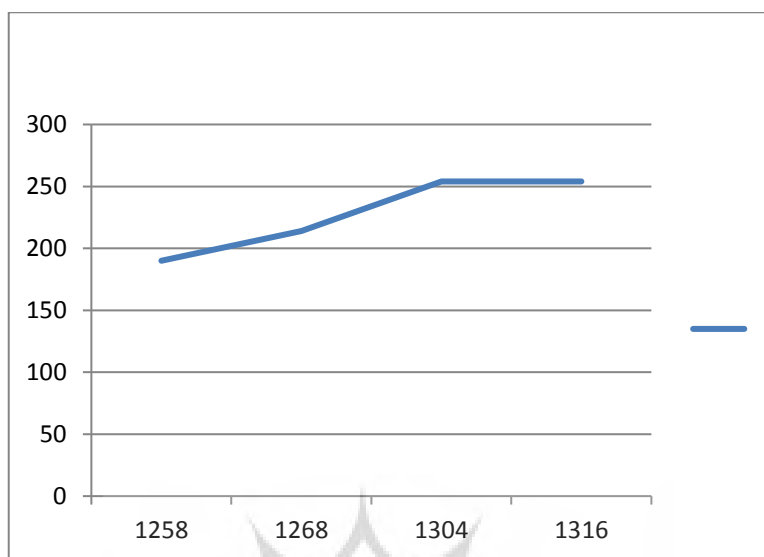
نمودار ش ۶، تعزیه داری در صرف دیوانی

ردیف بودجه تعزیه داری دو ولایت بوشهر و کرمانشاه به خارج از مرز ایران اختصاص داشت. هزینه تعزیه داری ولایت بوشهر در شهر مسقط بود و بخشی از هزینه ولایت کرمانشاه در عتبات عالیات یعنی کربلا و کاظمین و نجف بود (سند ۱۳۰۴، ۵۳۴، ۵۱۷ - کتابچه جمع و خرج بوشهر ۱۳۰۲، ۸).

با بررسی کتابچه‌های مختلف نشان داده می‌شود که مخارج تعزیه داری در بیشتر موارد، از دوره‌ی محمد شاه تا شصت سال بعد ثابت مانده بود. مخارج تعزیه داری براساس اسناد موجود، در قزوین از سال ۱۲۶۷ تا ۱۳۱۴ مبلغ ۹۱ تومان؛ از سال ۱۲۶۸ تا ۱۳۰۲ در عربستان (خوزستان) ۸۰ تومان، کاشان بین سال ۱۲۵۸ تا ۱۳۱۷ مبلغ ۶۰ تومان، خمسه و طارم از سال ۱۲۵۸ تا

سال ۱۳۲۴ مبلغ ۵۰ تومان؛ گیلان از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۱۰ مبلغ ۱۴۰ تومان و گروس از سال ۱۲۶۸ تا ۱۳۲۷ مبلغ ۵۰ تومان و بروجرد از سال ۱۲۵۸ تا ۱۳۳۷ مبلغ ۱۰۰ تومان و اصفهان از سال ۱۲۵۸ تا ۱۳۲۲ مبلغ ۸۰ تومان ثابت مانده بود. البته در برخی ولایت مانند مازندران روند تعزیه داری اندکی افزایش داشته است (نمودار ش ۷) و یا در حال ۱۲۵۸ در ولایات کنگاور، دماوند، ساوه و زرنند فیروزکوه، جوشقان، طالقان، نطنز، یزد، هزینه تعزیه داری نداشته است. (ساکما، شناسه سند ۲۳۲/۱۶۴۵، ۱ - جمع و خرج‌های عربستان، گیلان، کاشان، خمسه، لرستان ، قزوین، گروس، اصفهان - سند ۱۳۰۴ ، ۱۲۵۸ ، ۱۲۶۸).





نمودار شماره ۷، مخارج تعزیه در مازندران

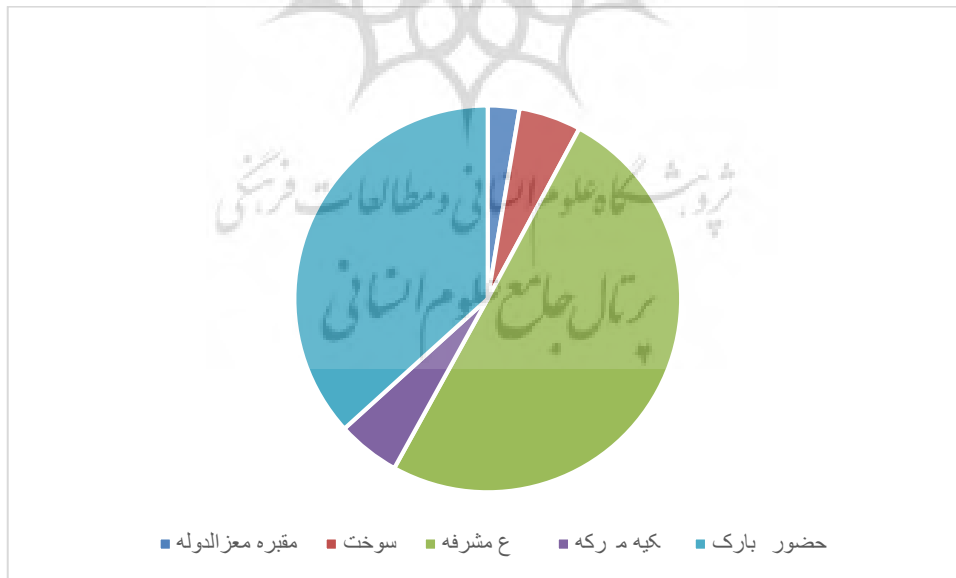
خارج روشنایی و مضاجع:

مخارج روشنایی در سند ۱۳۰۴ در بخش دیوانی و ولایتی به ترتیب ۲۳ و ۴ درصد دفعه صرف بود. (نمودار ش ۲ و ۳) مخارج روشنایی در بخش ولایتی برای بقاع شاهزادگان و مساجد اختصاص داشت اما در بخش دیوانی نیمی از هزینه روشنایی مربوط به بقاع مشرفه یعنی امامزادگان تعلق داشت. البته به طور کلی هزینه روشنایی بقاع متبرکه بیشتر از مساجد بوده است مگر اینکه مسجد با حمایت سلطان مورد توجه بیشتری قرار گرفته باشد. به طور مثال روشنایی مسجد سلطانی در قزوین ۵۳۶ تومان هزینه داشته است اما مجموع ده مسجد و بقعه امامزاده ۱۲۱ تومان بوده است و این بودجه حتی نسبت به ۴۷ سال پیش، ۱۹ تومان کاهش نقدی پیدا کرده بود و هزینه جنسی آن در ۳۴ خروار ثابت مانده بود. (کتابچه جمع و خرج قزوین، ۱۲۶۷: ۱۸ - کتابچه جمع و خرج قزوین، ۱۳۱۴: ۱۰)

همان طور که از نمودار مشخص است روشنایی بقاع مشرفه ۵۰ درصد و نیمی دیگر در باقی هزینه‌ها بود. (نمودار ش ۸) در واقع بخش روشنایی دیوانی در شش بخش بقاع مشرفه، حضور مبارک، تکیه مبارکه، سوخت و مقبره معزالدوله (عموی ناصرالدین شاه) تقسیم می‌شد. روشنایی

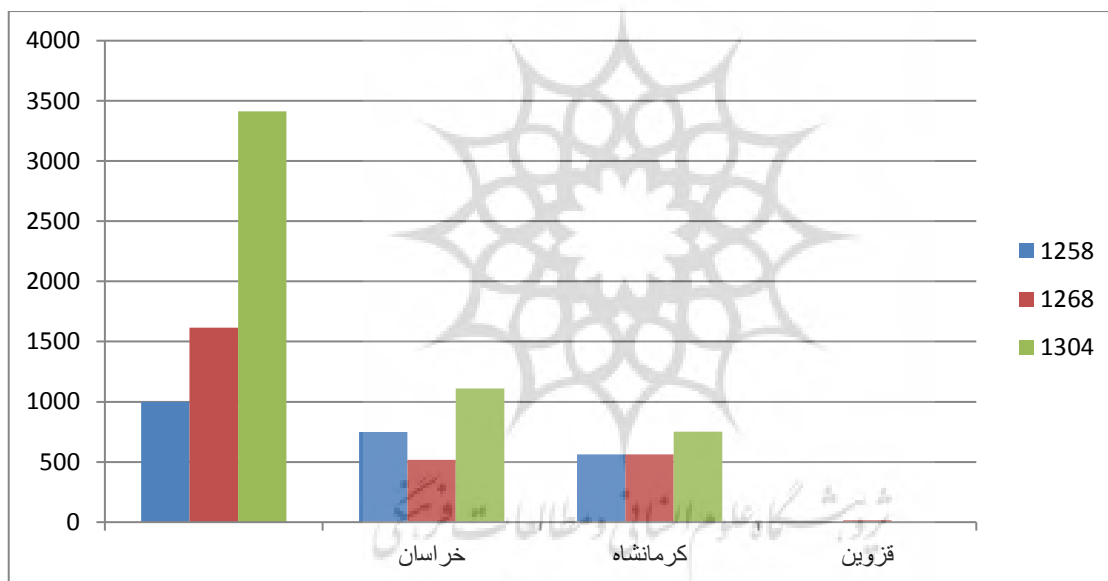
حضور مبارک خود نیز چندین بخش بود. هزینه روشنایی ایام حضور شاه در سفر به بیلاق و روشنایی فانوس‌های درب خادمان حرم جلالت و روشنایی شمع‌های گچی و فانوس‌های در دالان علی‌قلی، عمارت صندوقخانه و دیوانخانه و تکیه دولتی از جمله آن بود. تکیه مبارکه و تکیه دولتی هر دو در بخش هزینه‌های صرف بود ولی هزینه تکیه مبارکه یک قسمت جداگانه‌ای از تکیه دولتی و مخارج آن نیز بیشتر بود. در واقع تکیه دولتی که مجموعاً هشت تکیه می‌شد جزوی از مخارج حضور مبارک بود (سند، ۱۳۰۴: ۴۳۷).

اماکن مشرفه در بخش دیوانی در شهرهای نجف، کربلا، کاظمین و سامرا و شاه عبدالعظیم بود که حدود ۵۷ درصد آن در کربلا و ۲۴ درصد در کاظمین هزینه می‌شد و کمترین هزینه در مقبره شاه عبدالعظیم بود. هزینه اماکن مشرفه در بخش دیوانی از محل درآمدهای ولایات برخی ولایات تأمین می‌شد. به‌طور مثال بخشی از حقوق متولیان بقاع به‌عنوان مالیات رسوم از محل درآمدهای کرمانشاه و اصفهان بود و برخی از هزینه‌های روشنایی کاظمین و کربلا از محل ولایت آذربایجان تأمین می‌شد (سند، ۱۳۰۴: ۴۳۶).



نمودار ش ۸، میزان هزینه روشنایی در بخش دیوانی سال ۱۳۰۴

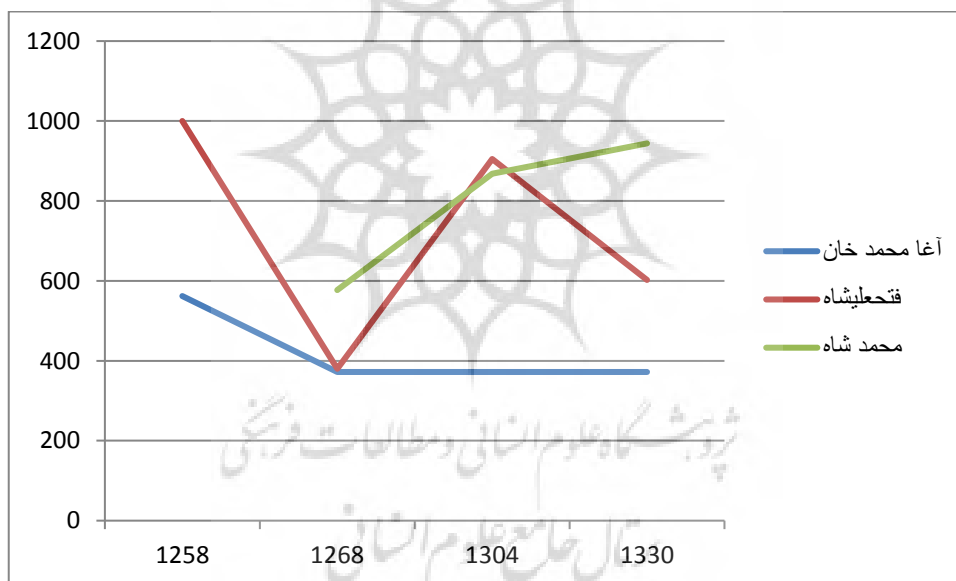
اصطلاح مضاجع برای شاهان و شاهزادگان و اصطلاح مقابر برای رجال دولتی به کار می‌رفت. مخارج مضاجع جزو ارکان صرف ولایتی بود و در سال ۱۲۵۸ در چهار ولایت قم، خراسان و کرمانشاه و قزوین ردیف بودجه داشت که بودجه مضاجع قزوین محدود بود و در سال‌ها بعد نیز حذف گردید. هزینه مضاجع قم با توجه به اینکه مقابر شاهان صفوی و قاجار مدفون بود، تقریباً ۶۵ درصد و مشهد و کرمانشاه به ترتیب ۲۱ و ۱۴ درصد هزینه نقدی مضاجع در سال ۱۳۰۴ را در بر می‌گرفت. (نمودار ش ۹)



نمودار ش ۹، میزان هزینه مضاجع

شهر قم به علت تعداد بیشتر مقابر شاهان و شاهزادگان بودجه بیشتری را به خود اختصاص داده‌است. مقابر فتح علی شاه، محمد شاه، مهدعلیا، اعتماد الدوله، قهرمان میرزا و شاه سلطان حسین و شاه صفی و شاه سلیمان صفوی هر کدام ردیف بودجه داشتند که تا پس از مشروطه همچنان ادامه داشت و البته با تغییراتی روبه‌رو گشت. بر اساس نمودار، هزینه مقابر فتحعلیشاه و آغا محمد خان پس از فوت محمد شاه کاهش یافت زیرا ایجاد هزینه‌ای جدیدی برای مقبره

ی محمد شاه ایجاد شد. هزینه دو شاه نخست قاجار تا اوایل دوره‌ی ناصری تقریباً مساوی بوده‌است اما از اواسط دوره‌ی ناصری مخارج مقبره فتحعلیشاه بیشتر از موارد دیگر شد هر چند که این رقم به تدریج کاهش زیادی پیدا می‌کند (نمودار ش ۹). مقابر سلاطین صفویه نیز بودجه جداگانه‌ای داشت که البته این مخارج در دوره‌ی محمد شاه و اوایل دوره‌ی ناصری وجود نداشت. این بودجه از سال ۱۳۰۴ تا سال ۱۳۳۷ مبلغ ۱۵۰ تومان ثابت بود. مقبره عباس میرزا در مشهد ۵۰۰ تومان و مقبره آغا محمد خان در نجف از سال ۱۲۵۸ تا ۱۳۰۴ مبلغ ۳۷۲ تومان بود و تغییری نکرده بود (سند ۱۳۰۴ - ساکما، شناسه سند: ۲۵۰/۳۸۵۲) پس از مشروطه برای مقبره مظفرالدین شاه نیز بودجه‌ای از دو طریق دربار و دولت معین شد. بودجه دولتی ۱۲۰۰ تومان و بودجه دربار سالیانه ۷۳۲ تومان بود (ساکما، شناسه سند: ۲۴۰/۴۴۳۵۵).



نمودار شماره ۱۰، هزینه مقابر شاهان قاجار

نتیجه‌گیری:

با بررسی ساختاری سند بودجه می‌تواند نگاه عمیق و دقیق تری نسبت به اوضاع مالی - اداری ایران داشت. صیغه صرف یکی از بخش‌های مخارج در سند بودجه در دوره قاجار بود که با بررسی آن از یک طرف می‌توان جایگاه بودجه فرهنگی و عمرانی دولت را مشخص کرد و از طرف دیگر به زوایای سیاسی و اجتماعی و مذهبی بودجه پی برد.

به لحاظ شکلی و یا خط‌شناسی اصطلاح صرف با حرف شباهت دارد اما از طریق ساختار محتوایی، می‌توان بین این دو واژه تفکیک قائل شد. در واقع صیغه صرف ذیل مخارج یا اصطلاح من ذالک می‌آید و اصطلاح «حرف» ذیل درآمدها یا اصطلاح مفرده می‌آید. به لحاظ محتوایی، مصارف صرف به دو بخش دیوانی و ولایتی تقسیم می‌شد. ارکان مشترک این دو بخش، مصارف تعزیه داری، دفترخانه، روشنایی و تنقیه قنوات و موارد تفاوت آن چاپارخانه، مضاجع و جیب مبارک و عمارات دیوانی بود. در مجموع، صیغه صرف حدود یک درصد هزینه‌های بودجه را در بر می‌گرفت و ردیف بودجه جیب مبارک با ۶۵ درصد، بیشترین هزینه مخارج دیوانی صرف را داشت و مصارف روشنایی با ۳۶ درصد بیشترین مخارج ولایتی صرف در سال ۱۳۰۴ بود.

صیغه صرف در هر یک از ولایات ویژگی خاص خود را داشته‌است و هر یک از ارکان آن با تغییراتی همراه بود. هزینه نقدی چاپارخانه در دوره‌ی ناصری با کاهش روبه‌رو بوده‌است اما در عوض هزینه جنسی آن افزایش پیدا کرده‌است. تعزیه داری با وجود منع شرعی، مورد حمایت حکومت محمد شاه و شاهان بعدی شد و ردیف بودجه‌ای در سند بودجه برای آن تعیین شد که تا پس از مشروطه این بودجه تقریباً ثابت بود هر چند که ارزش پول در حال کاهش بود. به هر شکل مخارج تعزیه داری در مخارج ولایتی و دیوانی به ترتیب با ۱۳ و ۶ درصد جزو استمراری‌ترین مخارج صیغه صرف بود. تعمیر چاپارخانه، تعمیر عمارت دیوانی، تنقیه قنوات جزو امور عمرانی دولت محسوب می‌شد و بخش‌های روشنایی، تعزیه داری، مضاجع و تحریر جزو بودجه فرهنگی دولت بود هر چند که در آن، انگیزه‌های شخصی و سیاسی شاه برای افزایش مشروعیت و مقبولیت نقش داشته‌است. به هر شکل نسبت بودجه عمرانی به فرهنگی صیغه صرف در

بخش ولایتی، ۵۸ درصد به ۴۲ درصد بود. در بخش دیوانی مصارف جیب مبارک، ۶۴ درصد صیغه دیوانی که جدای از امور فرهنگی و عمرانی بود اما در بقیه آن نسبت هزینه امور عمرانی به فرهنگی ۵ به ۳۲ درصد است و به طور کلی هزینه‌های فرهنگی نسبت به امور عمرانی در اواخر دوره‌ی قاجار افزایش پیدا کرده بود.

منابع و مطالعات:

اسناد:

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی، (ساکما)، تقاضای پرداخت مخارج روشنایی و تعزیه خوانی اماکن مذهبی، شناسه سند ۲۴۰/۴۴۳۵۵
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی، (ساکما) دخل و خرج موقوفات سلاطین صفوی، شناسه سند ۲۵۰/۳۸۵۲
- لوح فشرده کتابچه جمع و خرج کل همه السنه آیت ییل ممالک محروسه مطابق سنه ۱۳۰۴، (به کوشش بهمن بیانی) ۱۳۹۲، تهران: کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی (ساکما)، کتابچه جمع و خرج ولایت یزد ابواب جمعی ظل السلطان، شناسه سند ۲۹۶/۲۳۳۳۶
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی (ساکما)، کتابچه جمع و خرج لرستان، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی، شناسه سند، ۲۹۶/۲۲۸۲۲
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی (ساکما) کتابچه جمع و خرج اصفهان ابواب جمعی ظل السلطان، شناسه سند ۲۹۶/۲۲۸۲۳
- های جمع و خرج بوشهر، شناسه سند سازمان اسناد و کتابخانه ملی (ساکما) صورت ۲۳۲/۱۶۴۵
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی، کتابچه جمع و خرج قزوین، شناسه سند ۲۹۵/۷۲۸۷

نسخ خطی:

صورت جمع و خرج هذه السنه ممالک محروسه ایران، ۱۲۶۸، شماره ثبت ۷۷۳۰، قم: کتابخانه مرعشی.

صورت جمع و خرج هذه السنه ممالک محروسه ایران، سنه پارس ثیل ۱۲۵۸ ق، شماره ثبت ۷۷۵۳، قم: کتابخانه مرعشی.

جمع و خرج مالیات قزوین، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره بازیابی ۱۳۱۱ س.

کتابچه جمع و خرج بوشهر، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره بازیابی ۹۶۷ س. کتابچه جمع و خرج عربستان و مفاصاحساب عربستان، تهران: نسخه کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی. شماره بازیابی ۹۵۱ س.

کتابچه جمع و خرج عربستان تهران: نسخه کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره بازیابی ۹۵۳ س.

شهشهانی، بحر الجواهر فی علم الدفاتر، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره بازیابی ۹۸۶۹۵۱.

اوارجه، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره بازیابی ۲/۶۵۴۳. کتابچه جمع و خرج کاشان، تهران: کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره بازیابی ۱۰۹۳ س.

دستورالعمل جمع و خرج گیلان، تهران: نسخه کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۰۸۳ س.

کتابچه جمع و خرج خمسه و طارم، تهران: نسخه کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۴۲۶۲.

کتابچه جمع و خرج کمره، تهران: نسخه کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۰۲۸ س.

کتابچه جمع و خرج مازندران، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی شماره بازیابی ۱۰۸۱.
کتابچه دستورالعمل جمع و خرج گروس و کرانی، تهران: نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره بازیابی ۱۴۲۶۶.

کتاب

امانت، عباس، (۱۳۸۳) قبله عالم، ترجمه حسن کامشاد، تهران: نشر کارنامه.
بهرامی، عبدالله، (۱۳۶۳) خاطرات عبدالله بهرامی از آخر سلطنت ناصرالدین شاه تا اول کودتا، انتشارات علمی.

بیانی، بهمن؛ عبدامین، مجید، (۱۳۹۹) روزنامه خاطرات بهمن میرزا بهاءالدوله، تهران: انتشارات محمود افشار و با همکاری انتشارات سخن.

حسام مظاهری، محسن، (۱۳۸۹) جامعه‌شناسی آیین‌های سوگواری و هویت‌های مذهبی در ایران، تهران: چاپ و نشر بین‌الملل.

شمیم، علی‌اصغر، (۱۳۷۴) ایران در عصر قاجار، تهران: نشر افکار.

شیندلر، آبرت هوتوم، (۱۳۹۶) سفرنامه شیندلر به خراسان، به کوشش فرشاد ابریشمی.

عیسوی، چارلز، (۱۳۸۸) تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گسترده.

فریز، جیمز بیلی، (۱۳۶۴) سفرنامه فریزر معروف به سفر زمستانی، ترجمه منوچهر امیری، تهران: توس.

فلور، ویلم، (۱۳۹۴) سازمان چاپخانه ایرات در عصر قاجار؛ ترجمه شریرصادات صفدری، همدان: دانش مانا.

کاشانی، محمد کاظم (۱۳۹۵) قوانین السیاق، تصحیح و تحشیه علی‌رضا نیک‌نژاد، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

مارتین، و نسا، (۱۳۸۹) دوران قاجار، چانه زنی اعتراض و دولت ایران در سده نوزدهم، ترجمه افسانه منفرد، تهران: کتاب آمه.

میرزایی، محسن (۱۳۷۶) روزنامه خاطرات عزیزالسلطان ملیجک ثانی، ج ۱، تهران: زریاب.

مسعودیه، محمد تقی، (۱۳۶۷) موسیقی مذهبی ایران، ایران: انتشارات سروش.

نظام السلطنه، حسین قلی، (۱۳۸۶) خاطرات حسین قلی نظام السلطنه، به کوشش معصومه مافی، منصوره اتحادیه، ج ۱، تهران: نشر تاریخ ایران.

ویلس، چارلز جیمز، (۱۳۶۳) تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه، ترجمه سید عبدالله به کوشش جمشید دودانگه و مهرداد نیکنان، تهران: انتشارات زرین.

مقالات:

احمدی رهبریان، حسین؛ خداداد شهری، نیره؛ زندیه، حسن، (۱۳۹۷) سامادهی منابع و ذخایر آب قم، گنجینه اسناد، ش ۱۰۹.

حق پرست، فرزین؛ مظلوم برهان، شبنم؛ پیربابایی، حمزه، (۱۳۹۳) تأثیر متقابل مذهبی و معماری عصر قاجار در تحول فضاهای جمعی اسلامی (نمونه موردی تکیه دولت تهران) مجله نقش جهان، ش ۳.